

اندیشه شیعی همواره در آرزوی برقراری حکومت (دولت، ملک) جهانی دینی بوده است که حدود الهی در آن اقامه شده و مردمان، در عدل و فرج و سعه، به آسانی دینداری نمایند.

تمدن زندگی و رفتن به سوی ساخت تمدنی همچون غرب، حداکثر با اضافاتی دینی و با همان ساختارهای تمدنی، نیرویم و البته باید مراقب بود کل متون دینی را به نفع تمدن سازی و تمدن زدگی بازخوانی و تفسیر ناروا نکنیم. ما باید از این جهان به زودی برویم و باید مدنیته مرگ آگاه و هجرت پایه و سبک بالانه بسازیم. تنه راه جمع بین دوگانة دین و دولت توجه به روح معنوی دین و دوری از کالبد زدگی و تحمیل کالبد بی روح دین بر توده ها است. برقراری دولت مهدوی برقراری دولتی جهان است که، با کنار زدن تحمیل گران کالبد تمدن جدید، مشارکت واقعی اراده های انسانی را فراهم می نماید. ما نیز در دوران غیبت باید تا جای ممکن چنین کنیم. ▶

پی نوشت

۱- «سبحان الله آیا شما دوست ندارید که خداوند متعال، حق و عدالت را در جهان، آشکار گرداند و وحدت کلمه (عقیده) پدید آورد و میان دل های پراکنده، الفت اندازد و خداوند عزوجل را در روی زمینش نافرمانی نکنند و حدود و احکام خدا در میان خلقش اجرا شود؟!».

۲- به این سخنرانی قابل توجه از حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه توجه کنید: «البته این پرکردن دنیا از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم، ایشان باید بیابند، الان عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم باید بگیریم، تکلیفمان است، ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی توانیم بکنیم، چون نمی توانیم بکنیم و باید بیاید تا بکند، اما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب آن است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچون بکنیم که مهیا شود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰)

جهان، به آن وضعیت ساده، به کارگیری روش های پیچیده شبیه جهان مدرن است. تمدن زدگی باعث می شود دولت ها، به جای تمرکز بر تغییر انفسی انسان انقلابی ایران و حفاظت و پاسبانی از تفکر انقلابی رخ داده و افق باز شده در جهان معاصر که داعی انسان ایرانی و جهانی به زیستی غیرمدرن و مدنیته ساده و الهی و رجوع دوباره به آخرت گرایی و جهانی بدون فریبگی و ترکیدگی تمدنی است، دائماً از صنعتی شدن و مدرن شدن ایران، آن هم به بدترین شیوه ممکن (که در واقع مصرف جنون آسای پول نفت و تخریب شادمانه و غافلانه محیط زیست و به محاق بردن آخرین کورسوها افق روشن دینی است)، گزارش دهند و به این گزارش ها افتخار نمایند. تمدن زدگی باعث می شود وقت بسیاری از طلاب و دانشجویان مؤمن و انقلابی، که باید صرف آموختن مبانی دینی و تمرکز بر افاق معنوی انقلاب اسلامی و سعی در گسترش تفکر و فهم جدیدی که با انقلاب رخ داده بود شود، درگیر مباحث بیهوده طراحی ساختارهای انتزاعی، پیچیده، غریب زده و البته بی فایده اجتماعی شود. تمدن زدگی باعث می شود محور تمام بحث های همه دولت مردان و مدیران و قوای حاکمه و تبلیغات انتخاباتی و تمام بحث های روزمره مردم متدین و غیرمتدین در کوچه و خانه بحث های اقتصادی و پیگیری مدام «تولید، برای مصرف» و باز مصرف و باز مصرف و انتقاد از وضع اقتصادی شود؛ گویی رفاه طلبی سریع و بی خردانه تنها آرمان همه دولت های انقلابی است! تمدن زدگی باعث می شود که متدین ترین اقتصاددانان ما فقط تا این افق پیش بروند که تولید ما ملی شود و وابسته به غرب و شرق نباشیم و نمی توانند دنیای کم مصرف و البته کم تولید را تصویر کنند، دنیایی که امکان آن با انقلاب اسلامی رخ داد و اکنون آخرین دروازه های تاریخی این امکان در حال بسته شدن است.

واژه تمدن اکنون بار معنایی و شبکه مفاهیم پیرامونی فریه ای دارد. شاید بهتر باشد در اندیشه ورزی معاصرمان، آن گاه که از تمدن دینی سخن می گوئیم، از واژه مدنیت یا ملک یا دولت استفاده کنیم تا تمایزمان با سوبیلیزیشن آشکار شود. ما اکنون از «تمدن»، واژه ای که روزگاری مساوی تمدن غرب بود، ناخشنودیم و در پی ساخت مدنیت و ملک و دولت خویش هستیم، اما باید متذکر و مراقب بود که به دام

